

(فصل سی و سوم)

خادمین واقعی چگونه عمل می کنند

" هر که می خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خدمتگزار همه باشد. " (مرقس ۱۰: ۴۳)
" همانطور که درخت را از میوه اش می شناسند، ایشان را نیز می توان از اعمالشان شناخت. " (متی ۷: ۱۶)

ما با خدمت به دیگران، خدا را خدمت می کنیم.

دنیا بزرگی را در قدرت، مالکیت، نفوذ و مقام و منزلت می بیند. اگر می توانی از دیگران کار بکشی، به تو خوش آمد می گویند. در فرهنگ خودخواهانه ما، با این طرز تفکر که **من اول هستم**، عمل کردن مانند یک غلام، مفهومی نیست که همه بیسندند.

به هر ترتیب، عیسی مسیح بزرگی را در خدمت می دید و نه در مقام و منزلت. خدا بزرگی شما را با این تعیین می کند که چند نفر را خدمت می کنید و نه اینکه چند نفر شما را خدمت می کنند. این مسئله شدیدا" با برداشت دنیا از بزرگی تضاد دارد، و برای ما خیلی سخت است که آن را درک کنیم و خیلی کمتر به آن عمل می کنیم. شاگردان مسیح در مورد اینکه چه کسی شایستگی والاترین مقام را دارد، با هم بحث کردند. و اکنون پس از ۲۰۰۰ سال، رهبران مسیحی هنوز برای بدست آوردن مقام و برتری در کلیساها و فرقه ها و خدمات خود حيله گری می کنند.

هزاران کتاب در وصف رهبری نوشته شده، ولی کتابهای کمی در باره غلامی و خدمت نوشته شده. هر کس طالب رهبری است و هیچکس حاضر نیست غلام باشد. ما ترجیح می دهیم سرهنگ باشیم تا سرباز. حتی مسیحیان می خواهند " **رهبران- خادم** " باشند و نه خادم خالی. ولی برای شباهت به عیسی باید غلام بود و این آن چیزی بود که او خود را نامید.

در حالیکه شناخت شکل و فرم شما برای خدمت خدا مهم است، باید این را در نظر داشته باشید که داشتن قلب یک غلام خیلی مهمتر می باشد. به یاد داشته باشید که خدا شما را برای **خدمت** شکل داده و نه برای خودمحوری. بدون داشتن قلب غلامی، وسوسه خواهید شد که از شکل و فرم خود برای نفع شخصی سوء استفاده کنید. و نیز وسوسه خواهید شد که از آن بعنوان بهانه ای برای مستثنی قرار دادن خود از رفع بعضی نیازها، استفاده کنید.

خدا اغلب قلبهای ما را، با درخواست اینکه به نوعی که **شکل نگرفته ایم** خدمت کنیم، آزمایش می کند. اگر مردی را می بینید که در چاه می افتد، خدا از شما انتظار دارد او را از آن چاه بیرون بیاورید، نه اینکه بگویید: " من عطای رحمت و خدمت را ندارم. " در حالیکه امکان دارد برای وظیفه خاصی عطا نداشته باشید، خدا شما را برای انجام آن کار بخواند چون شخص دیگری در آن اطراف وجود ندارد که آن کار را بکند. خدمت **اصلی** شما می باید در محوطه شکل و فرم شما باشد، اما خدمت **فرعی** شما هر جایی می باشد که به شما نیاز است.

شکل و فرم شما نشان دهنده خدمت شما است، اما قلب غلامی شما نشان دهنده رشد شما خواهد بود. برای جمع کردن صندوقها و اشغالهای باقی مانده روی زمین بعد از جلسات احتیاج به عطا یا استعداد خاصی نیست. هر کس می تواند یک غلام باشد. فقط خصوصیات ممتاز می خواهد که این کار را بکنید.

امکان دارد برای تمام عمرتان در کلیسا خدمت کنید، بدون آنکه **غلام** بوده باشید. شما می باید قلب یک غلام را داشته باشید. چگونه می توانید تشخیص دهید که آیا قلب غلام را دارید یا خیر؟ عیسی مسیح فرمود: " همانطور که درخت را از میوه اش می شناسند، ایشان را نیز می توان از اعمالشان شناخت. " (متی ۷: ۱۶)

غلامان واقعی خود را برای خدمت، در دسترس قرار می دهند. غلامان وقت خود را با کارهای دیگری که می تواند در دسترس بودن آنها را محدود سازد، پر نمی کنند. آنها می خواهند هر وقت که برای خدمت دعوت شدند، آماده باشند که به وسط بپرند. یک غلام، مانند یک سرباز می باید همیشه آماده انجام وظیفه باشد: " هیچ کس به هنگام سربازی، خود را گرفتار مشغولیهای زندگی نمی سازد، چرا که خواهان جلب خشنودی فرمانده خویش است. " (دوم تیموتائوس ۲: ۴) اگر فقط زمانی که خود را راحت احساس می کنید خدمت کنید، شما یک غلام واقعی نیستید. غلامان واقعی آنچه که نیاز است، حتی وقتی احساس راحت نمی کنند، انجام می دهند.

آیا هر وقت که خدا از شما بخواهد، در دسترس قرار دارید؟ آیا او می تواند برنامه های شما را به هم بریزد، بدون آنکه شما بی میل شوید؟ بعنوان یک غلام، شما تعیین و انتخاب نمی کنید که کی و کجا باید خدمت کنید. غلام بودن یعنی اینکه حق کنترل برنامه تان را رها کنید و اجازه دهید هر وقت که خدا احتیاج دارد در آن مداخله کند.

اگر در شروع هر روز به یاد خود بیاورید که شما غلام خدا هستید، وقفه ها در کار، زیاد باعث ناامیدی شما نخواهند شد، چون برنامه شما در تقویمتان، تمام آن چیزهایی خواهد بود که خدا می خواهد در زندگیتان بگنجاند. غلامان وقفه ها در کار را قرار قبلی الهی برای خدمت می شمارند و برای فرصت عمل کردن به خدمت خوشحال هستند.

غلامان واقعی به نیازها توجه دارند. غلامان همیشه مراقب راههایی هستند که بتوانند به دیگران کمک کنند. وقتی آنها نیازی را می بینند، چنانکه کتاب مقدس می فرماید، فرصت را می قاپند تا آن نیاز را رفع کنند: "پس تا فرصت داریم به همه نیکی کنیم، به ویژه به اهل بیت ایمان" (غلاطیان ۶: ۱۰) هر گاه خدا شخصی را که نیازمند است، در کنار شما قرار می دهد، در حقیقت او به شما فرصت رشد در غلامی را می دهد. توجه داشته باشید که خدا می فرماید که نیازهای اهل بیت ایمان می باید برای شما الویت داشته باشند و نه اینکه در پایان لیست " کارهایی که باید انجام شوند" قرار گیرد.

ما موقعیتهای زیادی را برای خدمت از دست می دهیم، چون حساسیت و فوریت را درک نمی کنیم. فرصتهای بزرگ خدمت هرگز به مدت طولانی طول نمی کشد. آنها سریع از کنار شما رد می شوند و گاهی اوقات هیچگاه دوباره بر نمی گردند. شاید به شما یک فرصت برای خدمت به آن شخص، داده شود، پس وقت را غنیمت بشمارید: "هرگز به همسایه ات مگو: "برو فردا بیا"، اگر همان موقع می توانی به او کمک کنی" (امثال ۳: ۲۸)

جان و سلی خادم عالی خدا بود. انگیزه او این بود که: " تمام خوبی ای را که می توانی بکن، توسط تمام امکاناتی که می توانی، به هر طریقی که می توانی، در هر جایی که می توانی، در هر وقتی که می توانی، به هر شخص که می توانی، تا هر وقت که می توانی." این بزرگی است. شما می توانید با وظایف کوچکی که هیچ کس دیگر نمی خواهد بکند، شروع کنید. این کارهای کوچک را طوری انجام دهید که کار بزرگی هستند، چون خدا می بیند.

غلامان واقعی بهترین تلاش خود را با آنچه که در اختیار دارند می کنند. غلامان هیچگاه بهانه نمی آورند، وقت را تلف نمی کنند، یا برای موقعیتهای بهتر منتظر نمی مانند. غلامان هیچوقت نمی گویند: " یکی از این روزها" یا " وقتی زمانش برسد." آنها آنچه که نیاز به انجام دادن است، می کنند. کتاب مقدس می فرماید: "کشاورزی که برای کار کردن منتظر هوای مساعد بماند، نه چیزی خواهد کاشت و نه چیزی درو خواهد کرد" (جامعه ۴: ۱۱) خدا از شما انتظار دارد که آنچه می توانید، با آنچه که در اختیار دارید و هر جایی که هستید، انجام دهید. انجام دادن خدمت کمتر از کمال، همیشه بهتر است از بهترین قصد و انگیزه.

یکی از دلایلی که خیلی از مردم هرگز خدمت نمی کنند این است که آنها می ترسند **لیافت خدمت را نداشته باشند.** آنها این دروغ را که خدمت خدا فقط برای ستاره های بزرگ می باشد، باور کرده اند. بعضی کلیساها این افسانه را با ساختن بتی از " برتری"، پرورش داده اند، که این کار افرادی را که دارای استعداد عادی هستند، از دخیل شدن در کار مانع شده است.

شاید از بعضی شنیده اید که گفته اند: " اگر نمی توانی به بهترین نحو انجام دهی، انجام نده." تا آنجا که می دانم، عیسی مسیح چنین چیزی را هرگز نگفت! حقیقت امر این است که تقریباً هر کاری را که شروع به انجام آن می کنیم اصولاً نقصهایی دارد- و به این طریق است که ما یاد می گیریم. در کلیسای سدلیک Saddleback ما به قاعده " به اندازه کافی خوب" عمل می کنیم: حتماً نباید کاری برای خدا در حد کمال باشد تا او از آن استفاده کند و برکت دهد. ما ترجیح می دهیم هزاران مردم عادی را در خدمت بکار گیریم، تا اینکه کلیسای کاملی داشته باشیم که توسط چند نفر نخبه و نابغه اداره شود.

غلامان واقعی برای هر وظیفه ای به یک اندازه خود را وقف می کنند. هر کاری که غلامان انجام می دهند آن را " با جان و دل" (کولسیان ۳: ۲۳) انجام می دهند. مسئله ای نیست که اهمیت وظیفه چقدر باشد. تنها مسئله ای که مهم است این است که: آیا باید این کار انجام بشود یا خیر؟

شما هیچگاه در زندگی خود کیفیتی نخواهید داشت اگر خود را خیلی مهمتر از انجام دادن وظایف نوکرمآبانه بدانید. خدا هیچوقت شما را از خاکی و زمینی بودن مستثنی نخواهد دانست. این قسمتی از برنامه آموزشی شخصیت شما است. کتاب مقدس می فرماید: " زیرا اگر کسی خوشتن را فرد برجسته ای بدارد، در حالی که بواقع کسی نباشد، خود را فریب می دهد." (غلاطیان ۶: ۳) در همین خدمات کوچک است که ما بسوی شباهت به مسیح رشد می کنیم.

عیسی مسیح متخصص وظایف نوکرمآبانه ای بود که هر کس دیگر از آن دوری می گزید: شستن پاها، کمک به کودکان، تهیه صبحانه، و خدمت به جذامیان. هیچ چیز را پائین تر از شأن خود نمی دانست، چون او آمده بود که خدمت کند. **علی رغم بزرگیش نبود که عیسی مسیح این کارها را می کرد بلکه بخاطر اینکه بزرگ بود این کارها را می کرد،** و او از ما توقع دارد که نمونه او را دنبال کنیم. (یوحنا ۱۳: ۱۵)

وظایف حقیرانه اغلب نشاندهنده قلب بزرگ هستند. قلب غلامی شما در اعمال کوچکی ظاهر می شوند که دیگران اصلاً به فکر انجام آن نیستند، مانند پولس وقتی که پس از شکسته گشتی شدن، شروع به جمع آوری بوته کرد تا آتشی برای دیگران آماده سازد تا گرم شوند (اعمال ۲۸: ۳). او به اندازه هر کس دیگری خسته بود، ولی او آنچه را که هر کس به آن نیاز داشت، انجام داد. وقتی قلب غلامی دارید، هیچوقت کاری نیست که در شأن شما نباشد.

فرصتهای بزرگ اغلب خود را بصورت وظایف کوچک و حقیر در می آورند. چیزهای کوچک در زندگی تعیین کننده چیزهای بزرگ هستند. به دنبال وظایف بزرگ برای خدا نباشید که انجام دهید. براحتی کارهای نه- خیلی- بزرگ را انجام بده، و خدا شما را به کارهایی که می خواهد انجام دهد خواهد گماشت. اما قبل از آنکه کارهای خارق العاده انجام دهید، سعی کنید به طریقههای عادی خدمت کنید (لوقا ۱۶: ۱۰-۱۲).

همیشه برای انجام کارهای بزرگ برای خدا افراد بیشتری داوطلب خواهند بود تا برای انجام کارهای کوچک. صف برای رهبر شدن خیلی شلوغ است، اما زمین وسیعی در مقابل افرادی که می خواهند غلام باشند، باز است. گاهی اوقات برای افرادی که مقامی دارند **بطرف بالا** خدمت خواهید کرد، و گاهی اوقات برای افرادی که در نیاز هستند **بطرف پایین** خدمت خواهید کرد. به هر حال، اگر مایل هستید آنچه که احتیاج هست بکنید، قلب یک غلام را در خود توسعه می دهید.

غلامان واقعی نسبت به خدمتشان وفادار و امین هستند. غلامان وظایفشان را تمام می کنند، مسئولیت‌هایشان را انجام می دهند، به قول و وعده خود وفا می کنند و به تعهدات خود پایبند می باشند. آنها کاری را نصف کاره ترک نمی کنند، و وقتی مأیوس می شوند، کنار نمی کشند. آنها قابل اعتماد هستند و می شوند روی آنها حساب کرد.

وفاداری و امانت همیشه یک خصوصیت نادر و کمیابی بوده است (مزمور ۱۲: ۱؛ امثال ۲۰: ۶؛ فیلیپیان ۱۹: ۲۲). اکثر مردم معنای تعهد را نمی دانند. آنها بدون جدیت تعهدی را می کنند، بعد از آن با ناچیزترین دلیلی بی درنگ و بدون تأمل یا پشیمانی یا تأثر آن را می شکنند. کلیساها و سازمانهای دیگر، هر هفته می باید فوراً چیزی را ببندیشند چون داوطلبین چیزی را آماده نکرده اند، یا نیامده اند، یا حتی تلفن نکرده اند که بگویند نخواهند آمد.

آیا دیگران می توانند روی شما حساب کنند؟ آیا وعده و وعیدهایی هستند که احتیاج داری به آنها وفا کنی، قولهایی که باید انجام دهی، یا تعهداتی که نسبت به آنها باید احترام بگذاری؟ این یک آزمایش است. خدا وفاداری شما را امتحان می کند. اگر این امتحان و آزمایش را قبول شوی، همکاران خوبی داری: ابراهیم، موسی، سموئیل، داود، دانیال، تیموتائوس، و پولس همگی خادمین و غلامان وفادار و امین خدا نامیده شده اند. حتی خیلی بهتر از اینها، خدا وعده داده که وفاداری شما را در ابدیت پاداش دهد. تصور کنید چه احساسی به شما دست خواهد داد، اگر روزی خدا به شما بگوید: **"آفرین، ای خادم نیکو و امین! در چیزهای کم امین بودی، پس تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. بیا و در شادی ارباب خود شریک شو!" (متی ۲۵: ۲۳)**

در ضمن، غلامان و خادمین امین هیچوقت بازنشسته نمی شوند. آنها تا زمانیکه زنده هستند با وفاداری و امانت خدمت می کنند. شما می توانید در شغل خود بازنشسته شوید، ولی در خدمت خدا هیچوقت بازنشستگی نیست.

غلامان واقعی بی سرو صدا می مانند. غلامان هیچوقت بدنبال درجه بالاتر نیستند و توجه دیگران را بخود جلب نمی کنند. بجای اینکه بخواهند دیگران را تحت تأثیر قرار دهند و یا موفقیت کسب کنند، آنها **"با روحی فروتن یکدیگر را خدمت می نمایند"** (اول پطرس ۵: ۵). اگر بخاطر خدمتشان شناخته شدند، آن را با فروتنی می پذیرند ولی اجازه نمی دهند بدنامی و رسوائی آنها را از کارشان پرباشان سازد.

پولس رسول پرده از نوعی خدمت برداشت که در ظاهر روحانی است ولی در واقع تظاهر، نمایش و عملی است که می خواهد جلب توجه کند. او آن را **"خدمت حضور"** (افسیان ۶: ۶؛ کولسیان ۲: ۲۲) نامید، یعنی خدمت به این منظور که مردم را تحت تأثیر قرار دهیم که ببینند چقدر روحانی هستیم. این گناه فریسیان بود. آنها کمک به دیگران، هدیه دادن، و حتی دعا را تبدیل به نمایشی برای دیگران کرده بودند. عیسی مسیح از این رفتار نفرت داشت و هشدار داد: **"آگاه باشید که یارسانی خود را در برابر دیگران مردم به جا میاورید، به این قصد که شما را ببینند، و گرنه نزد پدر خود که در آسمان است، پاداشی نخواهید داشت"** (متی ۶: ۱).

خودبزرگ بینی و غلامی قابل تلقیق نیستند. غلامان واقعی برای تشویق و تأیید دیگران خدمت نمی کنند. آنها در حضور یک نفر زندگی می کنند. چنانکه پولس گفت: **"اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی بودم"** (غلاطیان ۱: ۱۰).

شما غلامان واقعی زیادی را در صحنه نمایش زیر اشعه نور افکن خواهید دید. در واقع، اگر ممکن نیز باشد از آن خواهند گریخت. آنها با خدمت کردن در سکوت و در سایه، قانع و راضی هستند. یوسف نمونه عالی ما می باشد. او توجه دیگران را به خود جلب نمی کرد، بلکه در آرامی فوطیفار را، پس از آن زندانبانش را و بعد ساقی و خباز فرعون را خدمت کرد و خدا این رفتار و خصوصیت او را برکت داد. وقتی فرعون به او مقام والایی بخشید، یوسف هنوز قلب غلامی خود را نگه داشته بود، حتی در حالیکه برادرانش به او خیانت کرده بودند با آنها نیز قلب غلامی اش را نگاه داشت.

متأسفانه، امروزه بسیاری از رهبران با غلامی شروع می کنند ولی با شهرت تمام می کنند. آنها به جلب توجه بدون اینکه هشیار باشند که نورافکن وسط صحنه می تواند آنها را کور سازد، معتاد می شوند.

شاید در گمنامی در یک مکان کوچک و حقیری خدمت می کنید، در حالیکه احساس می کنید دیگران شما را نمی شناسند و از شما قدردانی نمی کنند. گوش بده: خدا تو را در جایی که هستی برای هدفی قرار داده! او تک تک موهای سر تو را شمرده است و او آدرس تو را می داند. بهتر است در همانجایی که هستی بمانی تا زمانیکه او بخواهد تو را از جاییت تکان دهد. او اگر بخواهد تو را در جای دیگری استفاده کند، تو را باخبر خواهد ساخت. خدمت تو برای ملکوت خدا مهم است. **"وقتی مسیح که زندگی واقعی ماست بازگردد، شما نیز با او خواهید درخشید و در جلال و شکوه او شریک خواهید شد"** (کولسیان ۳: ۴).

در آمریکا بیش از ۷۵۰ "تالار شهرت" وجود دارد و نیز بیش از ۴۵۰ انتشارات در مورد اشخاص مشهور وجود دارند، اما غلامان واقعی را در چنین جاهایی نخواهید یافت. گمنامی برای غلامان واقعی معنایی ندارد چون آنها تفاوت میان مقام و اهمیت را تشخیص می دهند. شما چندین اجزاء چشمگیر در بدنتان دارید که می توانستید بدون آنها نیز

زندگی کنید. قسمتهای داخلی و پنهان بدنانتان مهمترین و واجب ترین آن می باشند. در بدن مسیح نیز همینطور است. مهمترین خدمت اغلب خدمتی است که دیده نمی شود (اول قرننیا ۱۲: ۲۲-۲۴)

خدا در آسمان در حضور عام بسیاری از گمنامترین و ناشناخته ترین غلامانش را پاداش خواهد داد. افرادی که هیچ چیزی در باره شان بر زمین نشنیده ایم، که کودکان آسیب دیده احساسی را تعلیم داده اند، یا سالخورده گانی که اختیار خود را ندارند تمیز کرده اند و مبتلایان ایدز را پرستاری کرده اند، و به هزاران نوع پنهانی خدمت کرده اند.

با دانش به این مطلب، هیچگاه از اینکه خدمت تو پنهان می ماند یا از آن سوء استفاده می شود، ناامید و مأیوس نشو. در خدمت به خدا ادامه بده! "بنابر این، ای عزیزان، از آنجا که پیروزی ما در آینده حتمی است، پس در ایمان قوی و ثابت قدم بمانید و همواره مشغول خدمت به خداوند باشید، چون می دانید که خدمتتان به خداوند بی نتیجه نیست، و در قیامت هر کس پاداش اعمال خود را خواهد یافت." (اول قرننیا ۵: ۵۸)

حتی حقیرترین و پست ترین خدمت برای خدا مهم است و او پاداش آن را خواهد داد. کلمات عیسی مسیح را بیاد داشته باشید: "و اگر کسی به یکی از کوچکترین شاگردان من، بخاطر اینکه شاگرد من است، حتی یک لیوان آب خنک بدهد، او برای این کارش پاداش خواهد یافت." (متی ۱۰: ۴۲)

نکته مورد توجه: من با خدمت به دیگران، خدا را خدمت می کنم.

آیه حفظی: "هر که به این کوچکان، از آن رو که شاگرد منند، حتی جامی آب سرد بدهد، آمین، به شما می گویم، بی پاداش نخواهد ماند." (متی ۱۰: ۴۲)

سوالی که باید از خود بکنید: کدامیک از شش خصوصیات غلامان واقعی برای من سخت ترین است؟